

نقش و تاثیر فتاویٰ جهادی در دوره قاجار

موسی قربانی سفیدان

www.ketab.ir

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۴۳-۹-۴ ریال ۱۰۰۰۰۰ :
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۳۵۰۲۸
 عنوان و نام پدیدآور : نقش و تاثیر فتواهای جهادی در دوره قاجار / موسی قربانی سفیدان.
 مشخصات نشر : تبریز: آیدین کتاب، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۱۰۴ ص.: مصور.
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۹۲.
 موضوع : ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق. -- روحانیت
 موضوع : مجتهدان و علما -- ایران -- فعالیت‌های سیاسی
 موضوع : روحانیت -- ایران -- فعالیت‌های سیاسی
 رده بندی دیویی : ۰۷۴۰۸۳۸/۹۵۵
 رده بندی کنگر : DSR ۱۳۱۵ ۱۳۹۵ ۱۳۹ ق ۹ /
 سرشناسه : قربانی سفیدان، موسی، ۱۳۵۲ -
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا



مرکز پخش و توزیع: اشارات آیدین کتاب ۰۹۱۴۳۱۶۲۱۱۴

نام کتاب: نقش و تاثیر فتواهاي جهادي در دوره قاجار

نویسنده و مولف: موسی قربانی سفیدان

ناشر: انتشارات آیدین کتاب

قطع کتاب: وزیری

روی جلد: آتیلای بیلگی سایار

چاپ: اول ۱۳۹۵

تعداد صفحات: ۱۰۴

چاپ - لیتوگرافی - صحافی: سه‌د - آذین - امین

تاریخ و محل چاپ و نشر: ۹۵ / تبریز

تیراژ ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۴۳-۹-۴

چکیده.....	۱
مقدمه.....	۲
فصل اول :	۳
کلیات.....	۴
فصل دوم :	۵
جهاد.....	۶
جهاد چیست و چه ارزشی دارد.....	۷
جهاد از دیدگاه قرآن.....	۸
جهاد از دیدگاه احادیث.....	۹
فصل سوم :	۱۰
نگاه مبسوط به خصوص حکومت.....	۱۱
حکومت و ولایت.....	۱۲
فرق بین حاکم و قاضی.....	۱۳
فصل چهارم:.....	۱۴
اصولیین و اخباریین.....	۱۵
اصولیین و اخباریین.....	۱۶
فصل پنجم:.....	۱۷
فتواهای جهادی در دوره قاجار.....	۱۸
فتواهای جهادی در دوره قاجار :	۱۹
۱-۵ دوره فتحعلی شاه.....	۲۰
۱-۱-۵ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطا	۲۱
۲-۱-۵ ملا احمد نراقی.....	۲۲
۳-۱-۵ مسیح مجتهد.....	۲۳
۴-۱-۵ میرزای قمی.....	۲۴
۵-۱-۵ سید علی مجتهد.....	۲۵
۶-۱-۵ سید محمد مجاهد.....	۲۶
۲-۵ محمد شاه قاجار.....	۲۷
۳-۵ ناصر الدین شاه:.....	۲۸
۱-۳-۵ میرزای شیرازی.....	۲۹
۲-۳-۵ آیت الله محمد تقی نجفی معروف به آقا نجفی.....	۳۰
۳-۳-۵ ملا علی کنی.....	۳۱
۴-۳-۵ سید جمال الدین اسدآبادی.....	۳۲

۵۹	 ۵-۳-۵ شیخ انصاری
۶۰	 ۵-۴ مظفرالدین شاه
۶۲	 ۵-۵ محمد علی شاه
۶۸	 ۵-۵-۲ شیخ عبدالله مازندرانی
۶۹	 ۵-۵-۳ علمای خراسان و تحریم امتعه روس
۷۰	 ۵-۵-۴ آیت الله سید محمد کاظم یزدی:
۷۱	 ۵-۵-۵ شیخ فضل الله نوری:
۷۲	 ۵-۶-۵ ملا محمد کاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی
۷۳	 ۵-۶-۵ احمد
۷۳	 ۵-۶-۱ آیت الله حاج میرزا عبدالحسین لاری
۷۵	 ۵-۶-۲ آیت الله مدرس
۷۵	 ۵-۶-۳ آیت الله سید عبدالمجید بلائی بوشهری
۷۶	 ۵-۶-۴ حاج میرزا عسکری - چینه
۷۷	 نتیجه گیری
۷۹	 پیوست ها:
۹۲	 فهرست منابع
۹۴	 Abstract

چکیده:

بعد از استقرار جمهوری اسلامی در ایران مورخین و محققان در تحقیقات خود به نقش اساسی و کارساز، دین و علما در مسایل سیاسی- اجتماعی توجه خاص نشان داده اند. پاره ای اشارات گذرا به نقش مهم و اساسی علما در حرکت های سیاسی و اجتماعی ایران عصر قاجار داشته است که در تمام این حرکت ها رهبری تمام قیامها و استقامت ها را علما و بزرگان اسلامی برعهده داشته اند. صدور فتوای جهاد در جنگ های ایران و روس، فتوای تحریم تنباکو، رهبری نهضت مشروطیت و فتوای متعدد در مبارزه با استبداد صغیر و نیز فتوای جهادیه در جنگ جهانی اول، تنها نمونه هایی از نقش و تاثیرگذاری علما در مسائل سیاسی- اجتماعی ایران است.

از اوایل سده سیزدهم یعنی با تشکیل سلسله قاجاریه در ایران، روابط دین و دولت ماهیتا شکل تازه ای به خود گرفت. تقریباً همزمان با تأسیس این سلسله در برخی شهرهای ایران و به ویژه در عتبات (کربلا، کاظمین، نجف و سامرا) جمعی از علمای بزرگ ظهور کردند. پادشاهان قاجار به ویژه فتحعلی شاه که در اوایل سده سیزدهم بیش از سه دهه سلطنت نمود، با یک مقام و منزلت علما احترام و امتیاز خاصی برای آنها قایل بود علما نیز ضمن نفوذ و احترامی که در نزد دولت و دولتمردان داشتند، در نزد عموم مردم نیز از محبوبیت و مقبولیت خاصی برخوردار بودند. همسر علما با مردم در مخالفت با اعمال سوء و ظالمانه عمال دولتی، هرچه بیشتر بریگانگی و همنوایی آنها می افزود. این اعتراضات و مخالفت هایی که مردم و علما در سراسر سده سیزدهم نسبت به دولت و یا حتی نسبت به تجاوزات احزاب از خود بروز می دادند یکسره متاثر از روح دینی و مذهبی آنان بود و کمتر ناشی از احساسات ملی آنان بود. بعنوان مثال: در پاسخ به درخواست مردم فارس که از اخاذی های نبی خان والی فارس در ازدیاد روزافزون بیت نان به ستوه آمده بودند، شیخ الاسلام وقت فتوا به کشتن میرزا هادی یکی از عمال عمده بنی خال و ستمگر باقی خباز باشی رئیس صنف خباز داد. در دوره خاصی فتحعلی شاه طی زمانی از میرزای بزرگ قائم مقام حمایت نمود تا آنکه شیخ جعفر نجفی فتوایی مبنی بر لزوم جهاد علیه دشمنان اسلام بگیرند و لذا نهاد عظیم مرجعیت در طول تاریخ شجاعانه در خط مقدم جبهه در مقابل تهاجم ویرانگر دین ستیزان و اغواگران، قد برافراشته با ترک نفسانیات، خود را وقف توسعه شریعت کردند و فقها و مراجع شیعه در طول دوران غیبت، پاسدار اصلی مرزهای عقیده و مهمترین عامل ترویج آموزه های مکتب اهل بیت علیهم السلام به شمار می آمدند.

قال موسی بن جعفر علیه السلام: العلماء حصون الاسلام^۱

بی تردید فقها و مراجع شیعه در طول دوران غیبت پاسدار اصلی مرزهای عقیده و مهمترین عامل ترویج آموزه های مکتب اهل بیت علیهم السلام به شمار می آمده اند اگر آثار و تألیفات آن وجود مقدس و مجاهدت های پیگیرشان در تحدید حدود و ثغور مکتب تشیع در مواجهه با نحله های منحرف وجود نمی داشته و اگر مناظره های علمی و مباحثه های مکررشان با مروجان فرقه های معارض شیعه دوازده امام نمی بود امروز مکتب تشیع در جایگاه یکتا فرقه ناجیه و میراث گرانبهای فقهی، حدیثی، تاریخی و... در برابر بقیه مذاهب دیگر اسلامی و غیر اسلامی قد نمی افراشت صد البته کار کرد مرجعیت شیعه به این مقدار خلاصه نمی شود. بی گمان فصل و وصل های حساب شده فقیهان با سلاطین و دولت مرزهای اسلامی و مبارزات خستگی ناپذیرشان برای جلوگیری از نفوذ و سلطه استعمار بر جوامع شیعی نقش مهمی در محدود کردن دامنه ستم حاکمان جور و دمارهای شیعیان از قیومیت کافران داشته که نمونه های بسیاری آن را می توان با نگاهی به تاریخ یکصد سال اخیر این مشاهده کرد اما این حقیقت هنوز در فکر و فرهنگ نسل حاضر به درستی جای نگرفته است علما و مراجع و پاسداران مرزهای جغرافیایی در کنار سایر نیروهای مسلح کشور و همچنین مرزهای عقیدتی می باشند که به عنوان تنها سنگربانان این مرز محسوب می شوند.

مرز دوم مرز عقیدتی، دینی و مکتبی است تهاجمات برای شکستن این مرز انجام می گیرد که روشهای گوناگون استفاده می کنند. اگر تاریخ پیشینیان را مورد ملاحظه قرار دهیم می بینیم که مصداق شده برجسته ای: «ان کان دین محمد لم یستقم الا یقتل فیاسیوف خذینی»، در سایه استقامت و ایستادگی امام حسین علیه اسلام، بنی امیه نتوانستند با تهاجم نظامی مرز دین را بشکنند و نابود کنند، بنی عباس با علم

فرهنگ این تهاجم را شروع کرد با استقامت علمی و فکری امام رضا علیه اسلام نتوانستند مرز دین را فتح کنند. گاهی با سیاست و گاهی با دین زدایی، گاهی با مظاهر دین، با حجاب، با عمامه با اخلاق اسلامی و.... مبارزه کردند گاهی با تبلیغات شوم و گسترده علیه دین و مکتب و مظاهر دینی مبارزه کردند. گاهی با فکرها و کمونیستی و گاهی با فکر التقاطی گاهی با طرح قومیت ها و ملیت مانند ترک و فارس، کرد و عرب و عجم، گاهی از روش نظامی و اسلحه بدست گرفتن، روزی آلت دست استکبار جهانی شدن که ادعا می کردند تا به امروز از آن استفاده می کنند اگر لازم باشد تا تهران می رویم و نمی گذاریم این حکومت اسلامی پابرجا بماند. گاهی از راه اقتصاد وارد شدند و تهاجمات را شروع کردند. «نگهبان این مرز» علمای بزرگ دین، گاهی با صدور فتوی گاهی با صدور حکم جهاد و با فتوای گوناگون و گاهی باین مسایل بسنده نکرده با روح و جسم خود از این مرز دفاع می کنند و می کنند. روزی در زمان قرارداد اقتصادی تنباکو که انگلیس قصد داشت حلقوم اقتصاد ایران را بدست ببرد اهل علم به نام آیت الله سید محمد فشارکی رفت پیش میرزای شیرازی و گفت تو استاد من هستی اجازه می خواهم برای مدتی بدون ملاحظه و رعایت استادی با شما سخن بگویم تا بتوانم صحبت من را صریحاً عرض نمایم. استاد نیز با گشاده رویی خواسته اش را پذیرفت؛ آیت الله فشارکی در خطاب به میرزا گفت:

«سید!! چرا علیه استعمار انگلیس قیام نمی کنی؟!»

چرا فتوی بر تحریم تنباکو نمی دهی! آیا خون تو از خون سید الشهداء علیه اسلام رنگین تر است، پس قیام کن و فتوی بر تحریم تنباکو را بده» استاد نظری به سید محمد فشارکی انداخت و سپس فرمود: «مدتها است که در فکر آن بودم، لکن در این مدت، جهات مختلف این فتوی را بررسی می کردم تا اینکه دیروز به نتیجه نهایی رسیدم و امروز به سرداب غیبت رفته تا از مولایم امام زمان ارواحنا فداء- اجازه فتوا را بگیرم و اقا نیز اجازه فرمودند و امروز قبل از آمدن شما فتوی را نوشتم.» سپس میرزا فتوی را به سید

محمدفشارکی نشان داد و سید نیز از استاد معذرت خواهی نموده و از محضر استاد خداحافظی کرد و بیرون رفت. «الیوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان سلام الله علیه است. و به ایران ارسال شد و در مدت بسیار کوتاهی این فتوا در سراسر ایران بخش گردید.

...بعد از شکست انگلیس، بعضی از مردم و علما پیش میرزای شیرازی رفته و بخاطر پیروزی نهضت، به او تبریک می گفتند. میرزا با شنیدن تبریکات به گریه می افتد. هنگامی که علت گریه را می پرسیدند، پاسخ می داد: «از این پس دشمنان به فکر مبارزه با روحانیت می افتند، زیرا کانون خطر را شناختند»^۱.

نظر عزاران را به یک داستان از ناصرالدین شاه معطوف می نمایم: در مسافرتی که ناصرالدین شاه به انگلستان رفته بود لیزابیت ملکه انگلستان برای اظهار قدرت و خودنمایی و مرعوب ساختن ناصرالدین شاه دستور داد تا ارتش و نیروی نظامی با طمعت انگلستان در حضور او رژه روند، پس از پایان رژه خواست مقدار تاثیر این رژه را در روحیه ناصرالدین شاه بداند و لذا از او سوال کرد ارتش ما چگونه بود ناصرالدین شاه جواب داد بسیار نیرومند و مجهز بود، سپس لیزابت با پوزخندی سوال کرد آیا ارتش شما نیز به این اندازه می شود؟ اتابک اعظم می گوید وقتی این سوال ما تبریک بود گلوی من بخشکد که آیا ناصرالدین شاه چه جواب خواهد داد زیرا اگر برآستی اقرار بضعیف و زبون بودن و کم آبرو و حیثیت ما بخطر خواهد افتاد برای اینکه ارتش ایران در مقابل ارتش آنها خیلی ناچیز بود، اگر دروغ و لاف بزنیم البته آنها از وضع ایران آگاه هستند و بیشتر افتضاح بار خواهد آورد.

ولی ناگاه دیدم ناصرالدین شاه با کمال خونسردی گفت نه ما چنین ارتشی نداریم، و احتیاجی هم نداریم ما فقط بیک عده ارتش برای حفظ انتظامات داخلی کشور احتیاج داریم، ولی اگر روزی مملکت ما مورد تهاجم اجنبی واقع شد در آن روز پیشوای مذهبی ما فتوای دفاع را صادر می کند و در چنین صورت

^۱ پورسید - آقایی، مسعود - میرمهر - چاپ اول - موسسه انتشارات حضور قم - ۸۲ - ص ۲۵۴ و ص ۲۵۵

تمامی افراد کشور از زن و مرد حتی خود بنده جزء سرباز و ارتش بحساب می آییم؛ این پاسخ الیزابت اتریش را چنان بحیرت انداخت که چند دقیقه سکوت مجلس را فراگرفت و فهمیدند که برای از بین بردن استقلال مملکت باید با تمام قوا کوشید و با علما و مجتهدین مبارزه کرد و برای امتحان داستان تنباکو را پیش کشیدند.^۱

در پایان، به چند نکته اشاره می کنیم:

- (۱) انگیزه این که این تحقیق انجام گرفت شناخت مبارزات روحانیت مبارز در طول دوره قاجار بود، و اینکار باعث شد که به یک سری از فتاوای مهم که در کتابها به آن اشاره نشده دست یابیم.
- (۲) تفاوت این تحقیق با تحقیقات قبلی از من در این است که اولاً در دوره قاجار می باشد ثانیاً در تحقیقات گذشته فقط به شرح زندگی بزرگان پرداخته اند و از فتواها خبری نیست. و اگر هم باشد به جنگ جهانی اول بر می گردد که اواخر دوره قاجار را شامل می شود.
- (۳) در این تحقیق حکم مراجعی آورده شده که در زمان خود از سایر مراجع مقام و مرتبه علمی و معنوی آنها بیشتر بود و به شرح مختصر زندگانی آنها نیز پرداخته شده است.
- (۴) علاوه بر مجتهدینی که حکم فتوا داده اند به یک سری از علما و مجتهدینی که در دوره قاجار بودند اما حکم فتوا نداده اند ولی چون خودشان در نهضت و مبارزات مردم نقش اساسی داشته اند به آنها نیز اشاره شده است.
- (۵) بیشتر گردآوری اطلاعات کتابخانه ای یا از طریق روزنامه یا هفته نامه ها می باشد.

در پایان اگر کم و کاستی یا نقصی در تحقیق مشاهده می شود بحساب کم کاری و کم توجهی این حقیر

بگذارید.